

پرداخت. در منقول شرح لمعه و قوانین و در معقول شوارق الالهام لاهیجی، شرح اشارات خواجه و مبدأ و معاد صدرالمآلهین را از محضر وی بهره برد و این استفاضه تا پایان عمر پدر در سال ۱۲۷۵ ادامه یافت.

پس از آن برای تکمیل تحصیل عازم عتبات شد و پس از بازگشت از عتبات به حوزه اصفهان وارد گردید و سه سال در محضر اساتید آن حوزه به تکمیل معقول پرداخت و در محضر میرزا حسن نوری (قرزند آخوند ملاعلی نوری) اسفار، شفا و مفاتیح الغیب را تحصیل کرد. وی در این حوزه علاوه بر میرزا حسن نوری از محضر سیدرضی لاریجانی، ملا محمد جعفر لاهیجی لنگرودی و حاج محمد ابراهیم نقشه فروش نیز استفاده کرد و سپس برای کسب فیض از محضر ملاآقا قزوینی عازم قزوین شد و از او - که به تعبیر خودش بحری موج و بیکران بوده است - استفاده‌ها نمود و نهایتاً در تهران رحل اقامت افکند. در تهران نیز علم منقول را تکمیل کرد و رسائل شیخ اعظم انصاری را از محضر مهمترین شاگرد شیخ، میرزا حسن آشتیانی فرا گرفت. وی در تهران به مدت چهل سال به تدریس فلسفه و حکمت اشتغال داشت و شاگردان بسیاری همچون میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا هاشم اشکوری، میرزا علی اکبر حکمی یزدی، شیخ علی نوری معروف به شیخ الشوارق، میرزا طاهر تنکابنی، ملا نظر علی طالقانی و شیخ عبدالنبی مجتهد مازندرانی را تربیت نمود.^۱ حکیم زنوزی در ذی‌قعدة سال ۱۳۰۷ قمری در تهران وفات یافت و در مجاورت مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون گردید.

به عقیده بسیاری از صاحب نظران و دانایان حکمت متعالیه، حکیم مؤسس آقاعلی مدرس بزرگترین حکمای متأخر بر صدرالمآلهین و از جهت تحقیق و تبیین مبانی اندیشه آن حکیم از برجسته ترین شراح و از جهت قدرت فکر و دقت اندیشه و غور در عویصات مسائل حکمت از جمله زبده ترین فلاسفه دو قرن اخیر

حکیم مؤسس آقاعلی مدرس زنوزی فرزند حکیم متآله ملا عبدالله زنوزی از اجلة حکمای متأخر و از شارحان و مدرسان بزرگ حکمت متعالیه و از صاحب نظران سترگ و گراندقدر حکمت در قرون اخیر است. چنانکه از لقب ویژه او (حکیم مؤسس) بر می آید این فیلسوف و اندیشمند برجسته صرفاً شارح و مبین حکمت صدرایی نبوده، بلکه خود در تأسیس قواعد و طرح مسائل بدیع فلسفی نقش و تأثیر داشته است.

حکیم زنوزی در ذی‌قعدة سال ۱۲۳۴ قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. پدر او حکیم ملاعبدالله زنوزی از شاگردان برجسته و میرزا آخوند ملاعلی نوری و صاحب آثار متین و قویمی همچون لمعات الهیه و انوار جلیه است و هموست که به هنگام تأسیس مدرسه مروی در تهران و درخواست بانی مدرسه از فتحعلیشاه قاجار برای دعوت آخوندنوری از اصفهان جهت تدریس در مدرسه مذکور و اعتذار حکیم نوری، به عنوان یکی از افاضل تلامذ آخوند رخت سفر به تهران کشید و حوزه عقلی تهران یا محوریت او در سال ۱۲۳۷ تأسیس شد و وی بیست سال در آن مرکز علمی به تدریس و تربیت شاگرد اشتغال داشت.

آقاعلی در دامن چنین پدری رشد و پرورش یافت و از محضر شریف وی خوشه‌های حکمت و معرفت چید. او در اوآن کودکی به همراه پدر از اصفهان به تهران آمد. مقدمات علوم اسلامی از جمله ادبیات عرب، منطق و معالم الاصول را در حوزه تهران فرا گرفت و سپس به استفاده از محضر پدر در دو شعبه علوم عقلی و نقلی

است. به گفته مرحوم دکتر مهدی حائری یزدی: «آقا علی مدرس زنوزی که از پیشروان کاروان خرد در قرن پیش بوده، بیش از حکیم سبزواری از قریحه نقاد و مبتکار بهره داشته است. او در کتاب بدایع الحکم و سایر رسالات خود، پیوسته در جستجوی راه‌حلهای تازه‌ای برای مشکلات فلسفه می‌باشد و چندان به تقریر و تحریر فلسفه صدرالمآلهین نمی‌پردازد، گو اینکه در این کار هم شایستگی و زبردستی بی‌نظیری داشته است و شاید اینکه بدایع الحکم مانند منظومه سبزواری مورد توجه دوستداران فلسفه نیست همین نکته است که مؤلف نقاد آن درصدد تحقیق و گشودن راههای دیگر برای رسیدن به مسائل فلسفه است. در حالیکه طلاب علوم عقلیه مجذوب فلسفه متعالیه صدرها هستند و می‌خواهند از منبع آن کام بگیرند. با این حال بعضی از آراء فیلسوفانه این مدرس عالی مقام حکمت در محافل علمی مشهور است که از جمله آنها تقسیمات او در اعتبارات ماهیت است و همچنین نظریه ابتکاری او در معاد جسمانی و در حمل و هو هویت و بسیاری مسائل معضله فلسفه^۲.

حکیم زنوزی را آثار و مآثر فراوانی است که هر یک به نوبه خود ارزشمند است و بویژه برخی از آنها از جهت طرح مبانی تازه در آراء حکیمان و یا بسط و تغییر مبانی صدرالمآلهین در حکمت متعالیه و یا مطرح نمودن راههای تازه در حل مشکلات فلسفی از ارزش خاصی برخوردار است. بخشی از آثار این حکیم در گذشته به صورت چاپ سنگی و بخشی بصورت چاپ حرفی به طبع رسیده و بخش قابل توجهی از آنها نیز همچنان به صورت مخطوط در کتابخانه‌های مختلف موجود بوده، نور طبع و نشر ندیده است.

آثار این حکیم عمدتاً به دو صورت است: یکی به صورت تعلیقات و حواشی بر آثار دیگر حکیمان و یکی هم به صورت آثاری که مستقلاً تألیف و تصنیف شده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سید محمود یوسف ثانی

برگی زرین از دفتر حکمت

است. مثلاً تعلیقات اسفار، شواهد، شرح هدایه اثیری و شوارق الالهام از گروه اول و بدایع الحکم، سبیل الرشاد فی اثبات المعاد از گروه دوم به شمار می آیند. مهمترین اثر مستقل حکیم زنوزی همان بدایع الحکم است که پاسخهای مشروح و مفصل حکیم است به سؤالاتی که بدیع الملک میرزا از افضل شاهزادگان قاجار از محضر او نموده و ایشان نیز پاسخهای مبسوطی به آنها ارائه کرده اند که خود مبدل به کتاب مستقلی شده است. از آنجا که در این سؤالات اشاره به آراء حکمای مغرب زمین همچون کانت و دکارت شده و حکیم نیز در حد مطالب مطرح شده در سؤالات درباره آنها به اظهار نظر پرداخته اند، شاید بتوان این کتاب را نخستین اثر در مبحث فلسفه تطبیقی در ایران به شمار آورد که از سوی یک حکیم بزرگ انجام گرفته است.

صورت تعلیقه داشتن بسیاری از آثار حکیم و مختصر و کوتاه بودن غالب رسالات برجای مانده از او و پراکندگی نسخ آنها، مانع از این بود که مجموعه آنها در دسترس پژوهندگان و علاقه مندان فلسفه اسلامی قرار بگیرد و جمع آوری و تحقیق و تصحیح و تنظیم آنها همتی والا و پشتکاری فراوان و در عین حال فضل و بصیرتی در خور می خواست و مجموعه این شرایط در یک فرد کمتر به ظهور می پیوست. تا اینکه بالاخره فرد واجد این صلاحیتهای و شرایط پیدا شد و دامن همت به کمر زد و برای نخستین بار مجموعه آثار حکیم را از زوایا و خبایای کتابخانه های عمومی و شخصی با زحمت و تلاش تحسین برانگیزی جمع آوری کرد و مجموعه تمامی آثار قطعی حکیم را به صورت مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقاعلی مدرس تنظیم و تحقیق کرد و با مقدمه های مبسوط و راهگشا و مفید به صورت سه جلد تبویب نمود که اکنون دو جلد آن روانه بازار طبع و نشر نموده و مشتاقان حکمت را در انتظار جلد سوم باقی گذاشته است. این مجموعه ضمیمه ارزشمند و شایان ذکر دیگری هم دارد که شرح احوال و

افکار و آراء حکیم مؤسس است و مصحح محترم قول طبع و نشر آن را در آینده نزدیک در مقدمه خود بر مجموعه آثار، داده اند.

حجة الاسلام محسن کدیور که تحمل این بار سنگین را بر خود هموار کرده است در اینکه چرا برای تصحیح، آثار آقاعلی مدرس را انتخاب نموده می نویسد: در ضمن مطالعه و تحصیل و تدریس فلسفه اسلامی همواره ترسیم هویت فلسفی مسلمانان و سهم فرهنگ اسلامی در اندیشه فلسفی، ذهن راقم سطور را به خود مشغول می کرد. وجه امتیاز حکیمان مسلمان نسبت به یکدیگر، ابتکارات حکیمان مسلمان و اینکه هر یک به کاروان خردورزی چه افزوده اند از جمله سؤالاتی بود که در این راستا قرار می گرفت... در میان فلاسفه پس از ملاصدرا و ویژگیهای چهارگانه ابتکار، نقد، فلسفه تطبیقی و قوت علمی مرا به سوی آقاعلی مدرس تهرانی کشانید.^۳

مصحح محترم برای دستیابی به آثار حکیم مؤسس نخست کلیه فهرستهای کتب منتشر شده و نیز تمامی فهرستهای نسخ خطی کتابخانه های عمومی و خصوصی و داخلی و خارجی را بررسی کرده، ضمن مشورت با همه اساتید و کارشناسانی که احتمال می رفته از این مسأله اطلاعی داشته باشند، به جمع آوری کلیه آثار چاپ شده و تصویر نسخ خطی آثار او از کتابخانه های مختلف اقدام کرده اند. پس از این استقصاء تام ایشان در مجموع به بیست و هشت اثر از آثار حکیم دست پیدا می کنند و آنها را در قالب سه جلد تنظیم می نمایند.

جلد اول را مستقلاً به تعلیقات اسفار که مفصلترین اثر حکیم است اختصاص داده اند. از این تعلیقات جمعاً به چهارده نسخه خطی و یک نسخه چاپی دست یافته اند که مهمترین آنها نسخه اصل به خط و امضای آقاعلی است و حاوی بیشترین حواشی آقاعلی نسبت به دیگر نسخ است و متعلق به کتابخانه شخصی استاد

آیت الله حسن زاده املی است. چنانکه سه نسخه دیگر از این حواشی به خط خود حکیم نیز وجود داشته که مصحح از آنها استفاده کرده است. از این پانزده نسخه در مجموع ۱۷۲۰ تعلیقه فراهم آمده است که مصحح کمترین تردیدی در صحت انتساب آنها به حکیم روا نداشته و آنها را بر اساس مجلدات نه گانه طبع حروفی اسفار تنظیم کرده است. در تنظیم این تعلیقات پس از ذکر هر تعلیقه علامت اختصاری نسخه یا نسخی را که تعلیقه از آنها نقل شده است ذکر کرده، علاوه بر این هر موضعی از اسفار را که تعلیقه مربوط به آن است نیز متذکر شده و اگر تعلیقه بر حاشیه حکیم سبزواری است موضع آن را نیز مشخص کرده است. از آنجا که بخشی از تعلیقه های حکیم بر حواشی ملا احمد اردکانی و ملا رضا تبریزی بر اسفار بوده و آنها نیز تا کنون طبع و نشر نشده است، آن بخش از حواشی این دو حکیم را که حاشیه آقاعلی مربوط به آن بوده نیز ذکر نموده است. چنانکه مشخصات کلیه آیات، روایات و اکثر آراء منقول از کتب دیگر را نیز به دست داده اند و مجموعه این تعلیقات و حواشی و توضیحات را به صورت جلد اول مجموعه مصنفات در ۷۸۲ صفحه (متن تعلیقات ۶۰۳ صفحه) همراه با مقدمه مفصل مجموعه و مقدمه مستقل جلد اول و فهرس مختلف منابع، آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب و فهرست تفصیلی مطالب به چاپ رسانده اند.

جلد دوم این مجموعه نیز مشتمل است بر رسائل عربی حکیم و تعلیقات او بر سایر کتب فلسفی. رسائل عربی به ترتیب عبارتند از ۱- رساله فی التوحید (بر اساس شش نسخه) ۲- رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد (بر اساس هفت نسخه) ۳- رساله فی الوجود الرابض زیر اساس نسخه چاپ سنگی) ۴- رساله فی مباحث الحمل (بر اساس یک نسخه خطی و نسخه حروفی). تعلیقات نیز مشتمل است بر تعلیقات الشواهد الربوبیه (بر اساس یک نسخه)، تعلیقات بر شرح الهدایه الاثیری (بر اساس نسخه اصل و نسخه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقای علی مدرس (۲ ج)

محسن کدیور

انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸

چاپی)، تعلیقات بر حواشی صدرالمتألهین بر الهیات شفا (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقات بر حواشی صدرالمتألهین بر شرح حکمة الاشراق (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقات شوارق الالهام (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقات حواشی بر شرح اشارات محقق لاهیجی (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقات بر حواشی والدش بر حواشی لاهیجی بر شرح تجرید قوشچی (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقات بر لمعات الهیه (بر اساس نسخه اصل)، تعلیقه بر حاشیه آقا جمال خوانساری بر حواشی خفزی بر شرح تجرید قوشچی (بر اساس نسخه اصل) تعلیقه بر حاشیه رساله سراقدر ابن سینا (بر اساس نسخه اصل).

رسالة فی التوحید چنانکه از نامش پیداست مربوط به مسأله توحید و ارائه تصویری عمیق و صحیح از مسأله اساسی توحید است و در سیزده فصل تنظیم شده است. رساله سبیل الرشاد نیز که پس از بدایع الحکم مشهورترین رساله حکیم مؤسس است حاوی رای ابتکاری او در مسأله معاد جسمانی و نقد بر رای صدرالمتألهین در آن زمینه است. رساله وجود رابط نیز مربوط به وجود رابط در قیال وجود محمولی است و در آن به این چهار پرسش پاسخ داده شده است: ۱- آیا وجود رابط تنها در قضایای حملیه موجب محقق می شود یا در قضایای حملیه سلبيه نیز می توان از آن سراغ گرفت؟ ۲- آیا وجود رابط و وجود محمولی تخالف نوعی دارند؟ ۳- آیا وجود رابط منحصر در هلیات مرکبه است یا در هلیات بسیطه هم هست؟ ۴- آیا از وجود رابط ماهیت انتزاع می شود؟

رسالة فی مباحث الحمل یا رساله حملیه چهارمین رساله مستقل این مجموعه است. حکیم در این رساله مسأله حمل را از وجوه و جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده و ضمن نقد و تحلیل آراء کثیری از حکما در این باب، رای مختار خود را نیز بیان نموده است. بخشهای دیگر این جلد، تعلیقات پراکنده و گاه بسته گریخته ای است که حکیم بر آثار فلسفی نگاشته است که در عین حال در مطاوی آنها آراء و انظار ابتکاری و بدیع نیز به چشم می خورد.

چنانکه مصحح محترم در مقدمه مجموعه

مصنفات متذکر شده اند، سومین جلد از این مجموعه به رسائل فارسی، تعلیقات نقلی، تقریظات و مقدمات، تقریرات، مناظرات و قطعات باقیمانده از حکیم اختصاص دارد که امیدواریم هرچه زودتر چشم دوستداران حکمت به دیدارش روشن گردد. نکته قابل توجه اینکه بدایع الحکم جزء این مجموعه آورده نشده است، بدین دلیل که بنا به گفته مصحح در سه جا مستقلاً در دست تصحیح است و دیگر نیازی به تصحیح مجدد آن نیست.^۴

بر اهل نظر پوشیده نیست که مصحح محترم مجموعه مصنفات با تصحیح و طبع این مجموعه یکی از بهترین و شایسته ترین خدمات علمی و فلسفی را به جامعه فرهنگدوست و فلسفه پژوه ایران و بلکه جهان علم و فرهنگ عرضه کرده اند و برگ زرین دیگری از دفتر حکمت این سرزمین را در دسترس قرار داده اند، فلله ذره و علیه اجره.

گرچه مصحح در مقدمه مجموعه آورده است: در اکثر نسخ آثار اقلی حتی برخی نسخ اصل اغلاط ادبی به چشم می خورد. بسیاری از این اشکالات بدون هرگونه تذکری اصلاح شده است. برخی دیگر به احتمال اراده برخی وجوه (ولو غیره مشهور) به حال خود رها شده است. در عین حال چون متذکر شده اند که اغلاط قطعی را تصحیح نموده اند و حتی اصلاحات ادبی در حد رعایت ضوابط استعمال «ال»، تذکیر و تانیث و مانند آن را به عمل آورده اند، و چون نگارنده ضمن مطالعه این مجموعه نفیس و استفاده از آن به نکاتی (اعم از اغلاط چاپی و غیر آن) برخورد که تذکرشان را خالی از فایده نمی داند، آنها را در پایان این مقال می آورد.

جلد اول

- ۱- ص ۱۶۱، س ۱۴ سواء اعتبرنا آمده که أُعْتَبِرَا صحیح است.
- ۲- ص ۱۶۲، س ۷ واجب الوجود بالذات وللذات آمده که واجب الوجود بالذات وللذات صحیح است.
- ۳- ص ۱۸۱، س ۸ فلوكان الامكان عدمیالم یکن الممكن آمده که لم یکن الممكن ممکنا صحیح است.

۴- ص ۳۳۵، س ۸ اخس من المدعی آمده که اخس صحیح است.

۵- ص ۳۴۰، س ۱۵ كما فی المعلوم الانفعالية آمده که فی العلوم الانفعالية صحیح است.

۶- ص ۳۴۶، س ۱۲ والحیثیات حقیقه کانت آمده که حقیقه صحیح است.

۷- ص ۳۵۳، س ۱۶ کمال ان صدورها آمده که کما ان صدورها صحیح است.

۸- ص ۳۵۹، در حاشیه شماره ۱ مرقوم فرموده اند که شرح رساله العلم خواجه نصیر طوسی تاکنون چاپ نشده است. ولی این سخن ظاهراً نادرست است و رساله یاد شده با تصحیح آقای شیخ عبدالله نورانی از سوی انتشارات دانشگاه فردوسی به سال ۱۳۴۹ چاپ شده است.

۹- ص ۳۸۱ حاشیه شماره ۱: انما خلقت للقاء لا للبقاء آمده که للقاء للقاء صحیح است.

۱۰- ص ۴۱۷، س ۱۶ بحیثیه و حیثیه آمده که بحیثیه و حیثیه صحیح است.

۱۱- ص ۴۱۷، س ۱۷: فان الحكم بمعیه لایخل آمده که بالمعیه لایخلو صحیح است.

۱۲- ص ۴۲۱، س ۱۳: لا یلیق به تعالی و بمقریبتیه آمده که بمقریبتیه صحیح است.

۱۳- ص ۴۹۱، س ۶: عن انانیه آمده که عن انانیه صحیح است.

۱۴- ص ۶۲۹، س ۱۲: و تصحیح سلبه عنها آمده که والتصحیح سلبه عنها صحیح است.

۱۵- ص ۶۲۹، س ۱۵: لانهما معلولاتها آمده که لانها صحیح است.

۱۶- ص ۶۴۱، س ۷: زائد است.

۱۷- ص ۶۴۹، س ۱۰: فالمبشر بعینه هوالمشارالیه آمده که فالمبشر بعینه هوالمشارالیه صحیح است.

۱۸- ص ۶۶۱، س ۲۱: متعلمه بتعلمهم جبرائیل آمده که بتعلم صحیح است.

۱۹- ص ۶۹۳، س ۱۸: والوجود بذاته حیزکله آمده که

مجموعه مصنفات

حکیم نوس آقا علی مدرس طهرانی

بند اول:

تعلیقات اسرار

صدر نظام صبح و شمع

محسن کدیور

خیر صحیح است.

۲۰- ص ۶۵۰، س ۱۴: اذا تجلی لهم بصورة العقل و القهر آمده که بصورة العقاب صحیح است.

۲۱- ص ۷۰۲، س ۱۰: اذا يمنع الحمل عليه كونه محلا باللام آمده که مُحَلِّي صحیح است.

۲۲- ص ۷۰۴، س ۵: الاقوال والالفاظ غیر معمول علیها آمده که معول علیها صحیح است.

۲۳- ص ۷۰۶، س ۱۲: بان قلت جلودهم آمده که اكلت صحیح است.

۲۴- ص ۷۱۶، س ۱۳: یحبهم و یحبونهم آمده که یحبهم و یحبونه صحیح است.

جلد دوم

۱- ص ۸۲، س ۱۳: فجعل یده سبحانه مغولة آمده که مغولة صحیح است.

۲- ص ۸۲، س ۱۳: الظاهر بین المسلمین بالاشاعرة آمده که الظاهر بین المسمین بالاشاعرة صحیح است.

۳- ص ۱۲۳، س ۱۸: الی العادة والصعود آمده که الی الاعادة والصعود صحیح است.

۴- ص ۱۲۶، س ۱۰: فان ذلك یوجب التعطیل فیهِ سبحانه و الا الاستقلال آمده است که والاستقلال صحیح است.

۵- ص ۱۲۶، س ۲۱: مستهلكا فی سطوح نوره آمده که فی سطوح صحیح است.

۶- ص ۱۳۶، س ۲: لا یحظنکم سلیمان (ایه شریفه) آمده که لا یحظنکم صحیح است.

۷- ص ۱۴۰، س ۱۹: وان كنت الاوهام آمده که كانت صحیح است.

۸- ص ۱۵۸، س ۳: فی الاعیان خارجیة آمده که خارجیة صحیح است.

۹- ص ۱۵۸، س ۵: علی این یكون آمده که علی ان یكون صحیح است.

۱۰- ص ۱۶۸، س ۱۵: ایفاض و ایماض آمده که ایفاض صحیح است.

۱۱- ص ۳۰۹، س ۲۰: قد تلقها العقل آمده که تلقیها صحیح است.

۱۲- ص ۳۵۸، س ۱۳: فی قبول الموجود آمده است که فی قبول الوجود صحیح است.

۱۳- ص ۳۵۸، س ۱۴: فانها محتاج لاموضوع آمده که لاموضوع صحیح است.

۱۴- ص ۳۶۶، س ۲۳: فمرتبة ذاتها مرتبة الالیه اللطیفه و قوام آمده که الیه لافعلیه و قوام صحیح است.

۱۵- ص ۳۶۸، س ۱۵: علی مربب یریبها آمده که الی مرب صحیح است.

۱۶- ص ۳۸۴، س ۱۶: اذنقیض المشروطه المعامه الموجبه، الحینیة الممكنة السابقه آمده که السالبة صحیح است.

۱۷- ص ۳۸۷، س ۱۶: فلاشتراک بینهما آمده که فلا اشتراک صحیح است.

۱۸- ص ۳۸۷، س ۱۹: لا یستلزم نفی العالم آمده که نفی العام صحیح است.

۱۹- ص ۳۷۸، س ۲۰: الذي هو مناط الاطلاق موجود آمده که مناط الاطلاق الموجود صحیح است.

۲۰- ص ۳۸۷، س ۲۱: بل انما فی هو سلب آمده که هو فی سلب صحیح است.

۲۱- ص ۳۸۹، س ۴: فی صدورها الکثرة آمده که فی صدور الکثرة صحیح است.

۲۲- ص ۳۹۴، س ۲۰: بل الصدق هو مطالبه الخیر آمده که مطابقة الخیر صحیح است.

۲۳- ص ۴۱۵، س ۱۸: لجواز اتصاف الموصوف الصفة آمده که بالصفة صحیح است.

۲۴- ص ۴۱۵، س ۱۹: و قد خلط هذاالسائل الصفة المعدومة آمده که و قد خلط هذاالسائل الصفة المعدومة صحیح است.

۲۵- ص ۴۱۶، س ۶: فلیس لما حظ من الوجود آمده که لماله صحیح است.

۲۶- ص ۴۲۷، س ۱۹: المراد بالتقديم الزماني آمده که بالتقديم صحیح است. □

پانوشتها:

۱- مجموعه مصنفات حکیم مؤسس، جلد اول، مقدمه مجموعه، ص ۲۷-۴۰.

۲- کادشهای عقل نظری، مقدمه، ص بیست و یک، به نقل از ص ۵۸ مجموعه مصنفات (جلد اول).

۳- پیشین، ص ۸۰.

۴- پیشین، ص ۸۴.

مجموعه شعر

گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)

سعید یوسف نیا

کتاب نیستان، ۱۳۷۸

کتاب نیستان در یک اقدام سازنده، برآن شد تا گزیده‌های از شعر و داستان امروز را به انتخاب شاعر و نویسنده تحت عنوان گزیده ادبیات معاصر چاپ و منتشر کند این اقدام گرچه مناسب و درخور توجه است اما عنوان نامناسب گزیده ادبیات معاصر چون وصله ناچوری بر پیشانی کتاب به چشم می‌خورد. آیا مناسب‌تر نبود هر مجموعه شعر یا داستان با نامی زیبا چاپ می‌شد. نهمین شماره از گزیده ادبیات معاصر به شعرهای سعید یوسف نیا شاعر جوان معاصر اختصاص دارد. این شعرها تماماً به انتخاب شاعر فراهم آمده و شامل برگزیده‌های از بهترین شعرهای یوسف نیا از آغاز شاعری تا کنون است.

۵۶ قطعه شعر در قالب غزل و نیمایی و آزاد در این گزیده آمده است. این اشعار نشان می‌دهد که یوسف نیا تجربه‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته، به طوری که امروز می‌توان از او به نام یکی از شاعران خوب معاصر یاد کرد. غزلیات یوسف نیا نشانگر توانایی او در حوزه شعر سنتی است که به راستی می‌توان از قالب کهن غزل برای بیان امروزی‌ترین مفاهیم بهره گرفت. غزلیات این مجموعه نشانی از پشتوانه فرهنگی شاعر دارد به گونه‌ای که تأثیر قدما و شاید بیش از همه تأثیر تخیل خلاق بیدل را بر او به خوبی می‌بینیم.

اینجا چه زود غنچه زمینگیر می‌شود

پروانه بی عبور زمان پیر می‌شود

باغ از هجوم این همه گل‌های کاغذی

در قاب می‌نشیند و تصویر می‌شود

در شعرهای که در قالب آزاد سروده شده‌اند، توجه یوسف نیا به انسان امروز بیشتر است او می‌گوید تا از زوایای مختلف با جهان زندگی و انسان ارتباط یابد. شعرهای نو او نیز با نگاهی به گذشته و سنت ادبی شعر فارسی سروده شده‌اند.

آینه از نگاه من افتاد

یا من

از دست‌های آینه افتادم!

با من بگو

معنای تکه تکه شدن چیست؟!

نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / خیز ۱۳۷۸